

# میزگرد واکاوی راه‌اندازی بورس نفت و عرضه نفت خام از طریق بورس

بورس نفت که قرار بود سال‌های پیش راه‌اندازی شود، با فراز و نشیب‌های بسیار از سال گذشته مجدداً در دستور کار دولت قرار گرفت و وزارت‌های اقتصاد و دارایی و نفت مکلف شدند تا پیش از پایان سال بورس نفت کیش راه‌اندازی شود. در اولین گام این مهلت تا ۱۲ فروردین ماه تمدید شد و مجدداً نیز چندین نوبت تغییر کرد تا در نهایت در اواخر تیرماه امسال اولین محموله نفت خام در بورس کالا با حضور مسئولانی از دو وزارت‌خانه عرضه شد. هرچند این محموله و حتی سه محموله بعدی هم خریداری نداشت، اما در نهایت محموله پنجم توسط شرکت نیکو خریداری شد. لذا با توجه به اهمیت موضوع و به منظور بررسی بیشتر و واکاوی دلایل راه‌اندازی بورس نفت خام، انجمن اقتصاد انرژی ایران به برگزاری میزگردی با موضوع راه‌اندازی بورس نفت خام پرداخته که مباحث مطرح شده را با هم می‌خوانیم.



در ابتدای میزگرد **غلامحسین حسن‌ناش** - **نائب رئیس انجمن اقتصاد انرژی** - به تشریح موضوع میزگرد پرداخت. برای اینکه بتوانیم موضوع بحث را کامل پوشش دهیم و خوانندگان نیز با موضوع آشنا شوند و جوانب آن را درک کنند، از هر یک از شرکت‌کنندگان می‌خواهم تا در مرحله اول تاریخچه‌ای از تحولات بورس نفت از زمان مطرح شدن آن تا اجرا را بیان کنند و خود من نیز آنچه بخاطر دارم را عرض می‌کنم. آنچه من به خاطر دارم؛ حدود دوازده سال پیش به دلیل مشکلاتی که در فروش فرآورده‌های ویژه و عمدتاً قیر و نفت‌کوره بود، صنعت نفت تحت فشار شدیدی بود و بسیاری از دستگاه‌ها و نیز بخش خصوصی برای دریافت سهمیه این فرآورده‌ها فشار می‌آوردند. وزیر وقت خواست تا برای اینکه این جو را بشکنند و این فشارها را سامان دهند، فروش این فرآورده‌ها منضبط شود. البته جواب آن را هم داده بودند که یک بورس راه‌اندازی و این فرآورده‌ها در بورس عرضه شود. من فکر می‌کنم که اولین ایده‌های بورس از بحث فروش فرآورده‌های ویژه شروع شد. البته در جلساتی که تشکیل شد هم نکاتی مانند اینکه مشکل اصلی از کجا است و ما چه مشکلی را می‌خواهیم با راه‌اندازی بورس حل کنیم، مطرح می‌شد. به نظر هم می‌رسید که عمده‌ترین مشکل در آن دوره تفاوت قیمت داخلی و صادراتی این فرآورده‌ها بود. به عبارتی صنعت نفت

به قیمت بسیار نازلی بخش از قیر تولیدی را به پیمانکاران راه‌سازی در وزارت راه و شهرداری‌ها یا مثلاً برای ایزوگام و غیره براساس قیمت داخلی می‌فروخت. بخش اضافی هم با قیمت چند برابری با مجوز صادرات فروخته می‌شد. اما به نظر می‌رسید آنچه که در جامعه اتفاق می‌افتاد این بود که: عده‌ای مجوز محدود صادراتی می‌گرفتند و قیر را به قیمت صادراتی می‌خریدند، ولی با آن مجوز حجم قابل توجهی قیر داخلی را هم بیشتر از مجوزشان صادر می‌کردند و از رانت عظیم مابه تفاوت قیمت داخلی و صادراتی بهره می‌بردند. این امر فشار زیادی را به صنعت نفت وارد می‌کرد. به نظر من در آن دوره مشکل عدم وجود

راه‌اندازی بورس، همانطور که آقای حسن‌تاش اشاره کردند؛ روند و اتفاقات انجام شده از ترتیب مشخصی برخوردار نیستند و از زمان مطرح شدن این موضوع، نظرات مختلفی در مورد آن عنوان شده است. در دوره‌ای که آقای عاصمی‌پور مسئولیت بورس را برعهده گرفتند، جلسه‌ای را به اتفاق آقای دکتر غنیمی‌فرد با مدیرعامل IPE (International Petroleum Exchange) در تهران داشتیم. مدیرعامل IPE آمده بود تا برای راه‌اندازی بورس نفت شرایط را ارزیابی کند، که آیا بورس مطرح شده می‌تواند در ایران تحقق پیدا کند یا خیر. در این جلسه دو ساعته به دلایل مختلفی

قطع شد و سال‌ها حرفی از بورس نفت زده نمی‌شد و سازمان بورس هم موفق به ادعای خود نشد تا اینکه فرد دیگری از طرف وزارت نفت مسئول نظارت بر راه‌اندازی بورس شد و موضوع نیز ناگهان از فرآورده به نفت‌خام تغییر کرد. بعد هم از طریق سازمان بورس یک مشاور خارجی مسئول مطالعه موضوع شد و ساختمانی نیز در کیش خریداری شد. اما مجدداً در یک مقطع زمانی موضوع به بورس فرآورده‌های ویژه و محصولات پتروشیمی تغییر کرد و موضوع راه‌اندازی بورس نفت‌خام مختومه شد که البته راه‌اندازی بورس‌های فرآورده و پتروشیمی نیز توفیق چندانی نداشت؛

بورس نبود، بلکه مشکل دو قیمتی بودن فرآورده‌های ویژه بود که در سال‌های بعد از آن، با تصویب قانونی جدید و با افزایش قیمت داخلی فرآورده‌های ویژه، تا حدودی زیادی آن مشکلات کاهش پیدا کرد؛ البته در چند سال اخیر مجدداً با بالا رفتن قیمت‌های جهانی نفت‌خام آن مشکل مجدداً بروز کرده است. در آن موقع برخی عقیده داشتند که مشکل نبود بورس نیست، بلکه مشکل دو قیمتی بودن نرخ فرآورده‌ها است؛ بعضی هم عنوان می‌کردند که چون عنوان بورس در مورد نفت، ذهن را به بازارهای آتی‌ها منحرف می‌کند، بورس مطرح شده از آن نوع نخواهد بود و اگر هم بورس مطرح باشد



ایشان عنوان کرد که ما قادر نخواهیم بود، چنین بورسی را تشکیل دهیم که البته در ادامه به این موارد اشاره خواهیم نمود. باتوجه به تجربه ایشان به عنوان مدیرعامل دومین بورس نفتی دنیا، طبیعی بود که صحبت‌های ایشان نمی‌توانست غیر کارشناسی باشد. پیرو آن جلسه ایشان نشست‌هایی هم در بورس تهران برگزار کردند. البته تا حدودی هم واضح بود که به دلیل محدودیت‌های ما و امکاناتی که یک بورس باید داشته باشد، این کار عملی نبود. تا اینکه اکنون پس از گذشت حدود ۱۰ سال از مطرح شدن مجدد راه‌اندازی بورس، امروز خرید و فروش چند محموله نفت‌کوره و یک محموله نفت‌خام انجام شده که قطعاً به اینها نمی‌توان بورس گفت.

تا اینکه اخیراً دوباره با یک معامله نفت کوره در کیش، بورس کلید خورد و پس از آن بحث نفت‌خام مجدداً مطرح شد. به نظر می‌رسد که الان هم اصرار براین است که نفت‌خام در این بورس عرضه شود. سال‌ها پیش در یکی از سرمقاله‌های اقتصاد انرژی نوشتیم که بورس نفت نماد تفکر سخت‌افزاری است یعنی عده‌ای هر مشکلی را بدون بررسی کامل و دقیق صرفاً می‌خواهند با یک تشکیلات و سازمان و به عبارتی سخت‌افزار حل کنند.

در ادامه **علیرضا کاملی - رئیس بازاریابی و فروش گاز** - خطلوله شرکت صادرات گاز ایران - با اشاره به تحولات راه‌اندازی بورس نفت گفت: در روند

تنها یک بازار حراجی یا Auction خواهد بود که سالی چند بار فعال می‌شود و نفت را حراج می‌کند و قراردادهای ماه‌های آینده منعقد می‌کند. در نهایت آن جلسات منتهی به این شد که سازمان بورس اوراق بهادار بدون مطالعه، متعهد شد که ظرف مدت شش ماه بورس نفت را راه‌اندازی کند. البته در آن جلسات هم بسیاری از موارد شفاف نبود و هنوز این مباحث مطرح بود که واقعاً مشکل چیست، و آیا مشکل دو قیمتی بودن فرآورده‌ها را می‌توان با بورس حل کرد و یا اینکه این بورس از نوع Auction است یا از نوعی دیگر یک نفر هم از وزارت نفت مسئول شد که فرآیند راه‌اندازی بورس را نظارت کند. بعد از آن ارتباط من با موضوع

بازار است مشخص می‌شود. نکته دوم کاهش ریسک در بازار بود. چرا که از سال‌های نیمه دهه ۸۰ میلادی به بعد به تدریج نوسانات قیمتی در بازار اتفاق افتاد، در حالی که در سال‌های دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی قیمت‌های نفت‌خام در یک دامنه تقریباً ثابت در حدود نوسان قیمت در یک دهه در حدود تنها چند سنت بود. اما آنچه که از نیمه دهه ۸۰ میلادی به بعد رخ داد بروز نوسانات شدید قیمت و آثاری بود که می‌توانست عرضه و تقاضا و تمایلات خریداران و فروشندگان را تحت تاثیر قرار دهد. عرضه یک نفت‌خام جدید، بروز یک حادثه و یا هر اتفاقی در صنعت نفت - می‌توانست بر بازار تاثیرگذار باشد و نوسانات شدید قیمتی را در بازار به وجود بیاورد و به دلیل اثرات سوء ناشی از نوسانات قیمت، برای دست‌اندرکاران بازار ریسک ایجاد کند. در این شرایط بازار بورس تشکیل شد تا ریسکی که عرضه‌کنندگان و خریداران نفت‌خام با آنها مواجه هستند را کاهش دهد که به مرور مواردی چون هجینگ یا پوشش مالی معاملات، قراردادهای اختیاری و یا Option ... و با توجه به شرایط بورس مطرح شد. همه آنها به دنبال دو واقعیت بازار بودند، کشف قیمت و کاهش ریسک. حال آیا لزوم چنین چیزی را در کشور احساس می‌کنیم؟

### هوتن سالاری - کارشناس ارشد امور

**بین‌الملل و نماینده شرکت ملی نفت ایران در بورس نفت** - با اشاره به تجربیات خود در راه‌اندازی بورس نفت افزود: از سال ۱۳۸۶ که شروع به کار کردم، بخشی از حوزه کاری ما پیگیری نفت‌خام در بورس‌های بین‌المللی بود. به دلیل همین علاقه و پیگیری نیز بود که به من مأموریت داده شد تا مطالعه‌ای راجع به بورس‌های نفتی دنیا داشته باشم و طی یک مسافرت از نزدیک آنها را بررسی کنم که بورس شانگهای در چین، بورس توکوم در توکیو و بورس NCDEX در هند را بازدید کردم. در این بازدیدها سوال می‌شد که چه کارهایی انجام شده، چه اهدافی از

کسانی که این معاملات را انجام می‌دهند، آنها را مبنای معاملات بعدی قرار دهند. اما از نیمه دهه ۸۰ میلادی، با شرایطی که از لحاظ ارتباط بین خریداران و فروشندگان و انتقال اطلاعات و جزئیات معاملات نفت‌خام اتفاق افتاد، همه کسانی که درگیر معاملات نفت‌خام بودند در کوتاه‌ترین زمان ممکن از جزئیات معاملات صورت گرفته اطلاع پیدا می‌کردند. تعدد معاملات و امکان انتقال اطلاعات، بازار نفت را به سمت و سوی بازار رقابت کامل و شفاف سوق داد. این شرایط پیش زمینه‌ای را ایجاد کرده بود تا به تدریج نفت‌خام‌های شاخص مطرح و بورس‌های نفتی شکل بگیرند.

بنابراین در آمریکا ابتدا بازار بورس NYMEX را ایجاد نکردند تا معاملات نفتی را در قالب آن انجام بدهند؛ بلکه معاملات انجام شد و بعد بازاری چون NYMEX ایجاد شد تا بازار را تنظیم کند و بتواند جوابگوی نیازهای بازار و معاملات نفت‌خام باشد. اما اکنون شرایطی که ما برای ایجاد بورس داریم، کاملاً عکس این حالت است. هیچ معامله‌ای در حال حاضر و خارج از شرایط تحویل فیزیکی صورت نمی‌گیرد و یا به عبارت بهتر خرید و فروشی انجام نمی‌شود تا قیمتی از تقابل آن حادث شود و می‌خواهیم بورس را ایجاد کنیم تا بر روی آن معامله انجام شود. اما آنها بورس را ایجاد کرده بودند تا از طریق تعدد معاملات، خریداران و فروشندگان متعدد و شفافیت قیمت دو پارامتر مهم را دنبال کنند. اولین پارامتر کشف قیمت بود. چرا که وقتی تعداد معاملات و خریداران و فروشندگان در یک بازار زیاد می‌شود، شرایط رقابت کامل فراهم گردیده، محدودیت‌های بازار از بین می‌رود و باعث می‌شود تا برخی افراد با در اختیار داشتن تنها بخشی از معاملات، نتوانند انحصارگری کنند و به دلیل حجم عظیم معاملات قادر نباشند بر قیمت‌ها اثرگذار باشند. بنابراین وقتی تعداد معاملات زیاد می‌شود، به دلیل تعدد عرضه و تقاضا، سطح قیمت‌ها در بازار که ناشی از استنباط شرایط

با توجه به اینکه در مورد تاریخچه صحبت می‌کنیم، بد نیست به تاریخچه تشکیل اولین بورس نفتی دنیا (NYMEX) که در سال ۱۹۸۳ در آمریکا تشکیل شده، اشاره کنم تا بتوانیم با توجه به شرایط تشکیل آن بورس، جمع‌بندی در مورد راه‌اندازی بورس نفت‌خام ایران (کیش) داشته باشیم. تا نیمه اول دهه ۸۰ میلادی هنوز معاملات نفت‌خام بر مبنای قیمت‌ها شناور یا مبتنی بر شرایط بازار و یا براساس عرضه و تقاضا انجام نمی‌گرفت. از دلایلی که باعث شد تا از آن دوره به بعد معاملات نفت‌خام شکل جدیدی به خود گرفته و از قیمت‌های ثابت (Fixed Prices) که در قالب روش‌های مختلف قیمت‌گذاری انجام می‌شد، جدا شود؛ اوضاع و شرایط ایجاد شده در بازار نفت بود. بدین معنی که در آن دوره بتدریج امکان انجام معاملات متعدد در بازار گسترده‌ای چون آمریکا با تعداد زیاد عرضه‌کنندگان و متقاضیان خرید نفت‌خام - به دلیل وجود پالایشگاه‌های متعدد - ایجاد شده بود. همین‌طور خارج از آمریکا نیز تولید و صادرات از مناطق خاورمیانه و مکزیک نیز این امکان را فراهم کرده بود که به شکل گسترده‌ای معاملات نفت‌خام انجام شود. در کنار این شرایط، از آن برهه کم‌کم سیستم‌های انتقال اطلاعات از طریق کامپیوترهای شخصی هم وارد بازار شد. وجود این امکانات و تعدد رسانه‌های خبری و نشریاتی چون Platts، و آرگوس، شرایطی را فراهم کرده بود که معاملات به شکل تک محموله (Spot) در بازار مورد معامله قرار گرفته و قیمت‌های آن به سرعت در بازار منعکس گردد. به عبارت دیگر، از دلایلی که باعث می‌شد تا قبل از نیمه دهه ۸۰ میلادی شفافیت در بازار وجود نداشته باشد، تعیین دو یا چند جانبه قیمت‌ها به صورت محدود بین تولیدکنندگان و خریداران - دولت‌ها و شرکت‌های چند ملیتی - بود. معمولاً این قیمت‌ها به صورت فوق محرمانه به هیچ کجا منعکس نمی‌شد و طبیعی بود که نتواند به عنوان مرجع در بازار مطرح شود تا

**مدیره اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های**

**نفت، گاز و پتروشیمی ایران- در ادامه**

افزود: از زمان مسئولیت آقای عاصمی پور در این پروژه در صنعت نفت، من نیز با ایشان در ارتباط بودم و ما را علاقه‌مند کرد تا در این بحث شرکت کنیم. من نیز با ارتباطاتی که با شرکت‌های خارجی داشتم پروپوزالی را تهیه کردم که در نهایت آقای گنجی از صادرات گاز در مناقصه اول و ما دوم شدیم. البته ما چندان هم موضوع را جدی پیگیری نمی‌کردیم و تنها با اصرار آقای عاصمی پور این کار را دنبال می‌کردیم در نهایت هم آقای گنجی برنده مناقصه شد و کارهای مطالعاتی آن را انجام داد. ما به عنوان بخش خصوصی به دنبال این بودیم که این بخش نیز به معاملات نفت‌خام وارد شود. صنعت نفت هم به دنبال این بود که از اتهامی که همواره به عنوان مافیایی نفتی و دست‌های پشت پرده نفت مطرح بود، رهایی پیدا کند. دولت هم می‌خواست تا عنوان کند که مافیای نفتی را شکسته و نفت را در بورس عرضه کرده است. بنابراین هر کسی از جنبه خود این مسئله را دنبال می‌کرد. صنعت نفت اکنون هم همین سیاست را دنبال و اعلام می‌کند که مافیایی در فروش نفت‌خام نبوده است. در حالی که چندان هم علاقه‌مند به راه‌اندازی بورس نفت نیست و نوع برخورد آنها هم این امر را نشان می‌دهد. برای دولت هم چندان مهم نیست که بورس نفت راه افتد، بلکه تنها بیان شکستن سد مافیای صنعت نفت نیز کافی است، ولی اگر بخش خصوصی نتوانسته و یا شرایط اجازه نداده به دولت مربوط نیست.

بورس‌های محصولات پتروشیمی و فرآورده‌ها نیز اگر موفق شدند به دلیل نیازی بود که وجود داشت. در آن برهه واحدهای پتروشیمی می‌خواستند که قیمت‌ها را اصلاح کنند و تنها از طریق بورس می‌توانستند قیمت‌ها را واقعی کنند و ۴-۵ میلیارد تومان رانت سالانه فرآورده‌های پتروشیمی را جذب کنند، لذا فرآورده‌های پتروشیمی را در بورس عرضه کردند و بعد از واقعی شدن

نیز دنبال می‌کنند. آنها عنوان می‌کنند بعد از عرضه نفت‌خام و اعلام قیمت‌ها در تابلوی بورس، راه برای انجام معاملات باز شده و می‌خواهند یک شاخص بین‌المللی مطرح کنند. البته بخشی از این بحث به غرور ملی باز می‌گردد؛ که چرا نفت‌خام ایران با حدود ۴ میلیون بشکه تولید در روز باید بر مبنای نفت‌خام عمان یا دبی با جمعیت و تولید غیرقابل قیاس با ایران قیمت‌گذاری شود. این عامل محرکی در ذهن برخی از کارشناسان می‌شود که ما باید نفت‌خام را براساس شاخص نفت‌خام خودمان قیمت‌گذاری کنیم. البته بحث عرضه و دو قیمتی بودن فرآورده‌های ویژه همچون قیر و حتی فرآورده‌های پتروشیمی و خروج

ایجاد بورس داشته‌اند و یا نفت‌خام را به چه نحوی عرضه می‌کنند. یکی از دغدغه‌های ذهنی من که تاکنون نیز برای آن جوابی پیدا نکرده‌ام، این بوده که چرا ما می‌خواهیم، بورس نفت‌خام راه‌اندازی کنیم. در دنیا بورس با هدف شفاف‌سازی معاملات ایجاد شد. چرا که افراد می‌خواستند تا در یک مجموعه معاملات استاندارد، ریسک خود را کاهش دهند. اما از ابتدا، ما دو هدف از راه‌اندازی بورس نفت داشته‌ایم. اولین هدف شفافیت قیمت بوده است. تاکید دارم که شفافیت قیمت و نه شفافیت معاملات. دیگری راه‌اندازی یک بورس به معنی خرید و فروش آتی‌ها به منظور کشف قیمت برای معرفی یک شاخص نفت‌خام جدید به جهان



از انحصار پتروشیمی در راه‌اندازی بورس وجود داشته که دو هدف جدید در خصوص نفت‌خام، به آن اضافه شده است. در مدت زمانی که بحث راه‌اندازی بورس نفت‌خام مطرح بوده، بحث ورود فرآورده‌های نفتی به بورس کیش نیز مطرح شده و فرآیند عرضه آزمایشی فرآورده نیز انجام شد که با عرضه نفت‌کوره، عرضه شروع و دو محموله آن مورد معامله قرار گرفت. بعد از آن ورود نفت‌خام مطرح شد که البته راه‌اندازی آن با سرعت انجام شد. تا الان هم نفت‌خام در بورس پنج عرضه داشته که تنها یک عرضه به انجام معامله ختم شده است.

**سید حمید حسینی - عضو هیأت**

بوده است. اما اگر بخواهیم شفافیت قیمت را در بازار Auction (حراج) ایجاد کنیم، سازکار خاص خود را می‌طلبد و اگر هدف، ایجاد بازار آتی‌ها و Benchmark (نفت‌خام شاخص) باشد نیز سازکار خاصی دارد.

شاید اولین مسئله این باشد که هدف از راه‌اندازی بورس هنوز بین این دو گزینه معلق است. برخی معتقدند که قیمت‌های نفت‌خام در یک محیط بسته و به وسیله یک عده افراد خاص تعیین می‌شود و از این قیمت‌ها کسی خبر ندارد و شفاف نیست. بنابراین ما می‌خواهیم معاملات را در بورس انجام دهیم تا قیمت‌ها شفاف شود. اما گروهی که دوراندیش‌ترند، هدف بزرگتری

به علاوه درصد مشخص مابه تفاوت قیمت ارز در بازار آزاد و دولتی؛ در این وضعیت مشکلی ایجاد نمی‌شود و شرکت‌ها جرأت می‌کنند که حواله انجام دهند. بورس‌های موفق منطقه هم این امر را نشان داده‌اند. مثلاً بورس ترکمنستان نه توان و امکانات و نه ارتباطات موثری در مقایسه با ما دارد؛ ولی یک بورس موفق بوده و کل فرآورده‌های این کشور از طریق بورس بفروش می‌رود و نفت‌خامی که قزاقستان با قیمت مرجع منهای ۱۱ دلار می‌فروشد را ترکمنستان با قیمت مرجع منهای ۷/۵ دلار می‌فروشد. بنابراین بورس این قابلیت و پتانسیل را دارد. بورس‌های فرآورده و محصولات پتروشیمی نیز بسته به میزان حمایت شرکت‌های پتروشیمی جواب داده است. ولی در بورس نفت چون فعلاً ابزار و سازوکار آن فراهم نیست و اراده لازم برای راه‌اندازی آن نیز وجود ندارد، تاکنون اتفاق نیفتاده است. از سویی استراتژی شرکت ملی نفت در فروش نفت‌خام تغییر نکرده است. اگر شرکت ملی نفت پذیرفته که در درآمدت نفت خود را از طریق بورس بفروشد، باید استراتژی فروش خود را تغییر دهد. تا کنون استراتژی شرکت ملی نفت، فروش نفت‌خام به مصرف‌کننده نهایی بوده، آیا اکنون این شرکت به این نتیجه رسیده که استراتژی خود را تغییر دهد؟ من فکر نمی‌کنم که شرکت ملی نفت به جمع‌بندی برای تغییر این استراتژی رسیده باشد و اکنون تنها برای محدود کردن فشار بیرونی، نفت‌خام برای فروش به دلال عرضه شده است. البته چندان هم مشخص نیست که شرایط برای تغییر استراتژی از فروش به مصرف‌کننده نهایی به دلال فراهم باشد.

بنابراین در حالی که تمایلی به تغییر استراتژی فروش نداریم، نفت شناخته شده‌ای عرضه نشده و برای توانمندی‌سازی و حضور بخش خصوصی هم زمینه‌سازی نکرده‌ایم، این بورس موفق نخواهد شد. این عدم موفقیت هم باعث ناراحتی هیچ گروهی نخواهد شد. چرا که بخش خصوصی از ابتدا

بخشی از سودی که از سوآپ داشتیم را تخفیف داده بودیم، اما با این کار بازار منطقه را به هم می‌ریختیم و همه خریداران به سراغ ما می‌آمدند. اگر شرکت ملی نفت ۴ محموله ارزان می‌فروخت، چه اتفاقی می‌افتاد. در این شرایط بالاخره برخی از فروشندگان تحت فشار قرار می‌گرفتند و ما را هم تحت فشار قرار می‌دادند که نفت‌خام را به قیمت بفروشیم و خود آنها هم در این بازار حاضر می‌شدند. اما به نظر من در بورس نفت کیش هیچکس جدی نیست و همه یک کار سمبلیک و شعاری انجام می‌دهند. علاقه‌ای هم برای ورود بخش خصوصی به این جریان ندارند. چرا که سازوکاری که استفاده می‌کنند، این امر را نشان می‌دهد. نفت‌خام بهرگان به عنوان نفت عرضه شده در بورس، در دنیا چندان شناخته شده نیست؛ در حالی که ما نفت‌های شناخته شده‌ای چون سروش و نوروز و نفت سبک و سنگین ایران را داریم. میزان محموله هم برای جنوب شرق آسیا مناسب نیست. محموله ۶۰۰-۵۰۰ هزار بشکه‌ای برای پالایشگاه‌های این منطقه مناسب نیست. نوع پرداخت تعیین شده هم با شرایط فعلی تحریم‌ها اصلاً امکان‌پذیر نیست. کافی است که یکبار پول کلانی از یک حساب در دبی جابه‌جا شود، بلافاصله تحریم می‌کنند. شرکت‌هایی که با ما کار سوآپ می‌کردند به خاطر حواله‌جات ۱۵-۱۰ میلیون دلاری ما را جزء تحریم‌ها قرار داده‌اند. در این شرایط از شرکتی که از طریق آن عملیات بانکی خود را انجام می‌دهم، کافی است تا یک حواله از یکی از بانک‌ها به حساب مشخصی در بانک اسلامی دبی که کاملاً تحت کنترل است، انجام دهیم، بانک مرکزی امارات بلافاصله حساب من را مسدود می‌کند. اگر شرکت ملی نفت این نگرانی را دارد که در صورت پذیرفتن حواله داخلی، به دلیل دو نرخ بودن نرخ ارز، برخی افراد از رانت تفاوت قیمت دلار در بازار آزاد و سیستم بانکی استفاده کنند، مابه تفاوت آن را بگیرد. مثلاً اگر ارز داخلی پرداخت شد، قیمت X

قیمت‌ها همین شرکت‌ها چندان از بورس حمایت نکردند و الان هم با اعمال فشار، برخی از کالاها را در بورس عرضه می‌کنند، مگر نه استفاده اولیه خود را از بورس برده‌اند. در مورد فرآورده‌ها هم که قیر موفق‌ترین آنها بود، بخش خصوصی در این بازار حضور داشت و ۱۰-۵ شرکت بخش خصوصی در این بازار فعال بودند و زمینه لازم در کشور فراهم بود و روزی که قیر در بورس عرضه شد، ۱۰-۵ خریدار حاضر بودند. ولی در بورس نفت‌خام ما هیچکدام از این زمینه‌ها را فراهم نکرده‌ایم و حتی حداقل یک جلسه هماهنگی با اتحادیه فروشندگان فرآورده‌های نفت، گاز و پتروشیمی برگزار نشده که موارد شفاف شود و شرکت‌های خصوصی نیز خود را آماده کنند. بدون هیچگونه هماهنگی و تنها با فشار دولت مقرر شد تا پایان اردیبهشت‌ماه عرضه نفت‌خام از طریق بورس نفت آغاز شود. با این شرایط از همان ابتدا ما عنوان کردیم که عرضه نفت‌خام شکست می‌خورد و پیشنهاد کردیم که نفت‌خام ایران در مرحله اول عرضه نشود و نفت سوآپ عرضه شود تا اگر هم عرضه موفق نبود، قیمت نفت‌خام ایران خراب نشده باشد و سازوکار بورس را رعایت کرده باشیم. چرا که براساس سازوکار بورس اگر کالایی روی تابلو اعلام شد و مشتری با قیمت پایین‌تر از قیمت پایه هم بود، فروشنده مجبور است که معامله کند، و ۳-۲ بار با قیمت ارزان‌تر بفروش تا بازار رقابتی شود؛ نه اینکه اعلام کند که قیمت پایه ۱۰۱ دلار در هر بشکه است و از این قیمت هم پایین‌تر نیاید. این روند با سازوکار بورس هم‌خوانی ندارد. در واقع ما سازوکار بورس که یک سازوکار مدرن در جهان است را ایرانی کرده‌ایم. بورس با سازوکار ایرانی اجرا می‌کنیم و قیمت‌گذاری، حواله و سهمیه بر روی آن می‌گذاریم. اگر اجازه می‌دادیم تا سازوکار بورس اجرا شود، این بورس می‌توانست موفق شود.

اگر ما نفت سوآپ را عرضه می‌کردیم و ۳-۲ معامله با قیمت ارزان انجام می‌شد؛

ادعا نکرده که قادر به خرید نفت خام است. اصلاً چه موقع شرکت ملی نفت اجازه ورود شرکت‌های خصوصی ایرانی را در حوزه نفت خام داده است؟ طی چند سال گذشته من شخصاً پرونده چند شرکت را بررسی کرده‌ام، حتی شرکت‌های معتبری که به هر نحو شرکت ایرانی در آن حضور داشته، پذیرش نشده‌اند. وقتی که این قدر فضا منفی و بسته بوده چه انتظاری برای بسترسازی است. وقتی که شرکت ملی نفت با اطلاع از ارتباط شرکت خارجی با شرکت‌های خصوصی ایرانی بلافاصله ارتباط خود را با آن شرکت قطع می‌کند، انجام اینکه بورس نفت بتواند یک بورس رقابتی شده و نفت هم در بورس معامله شود، امکان‌پذیر نیست.

اکنون هم چندان امیدوار به حضور بخش خصوصی نیستیم.

ما رفع چند مشکل را پیشنهاد دادیم تا امکان حضور بخش خصوصی فراهم شود. اول آنکه نوع نفت خام از بهرگان تغییر کند. مسئله دیگر در اختیار داشتن قیمت نفت خام بود که البته الان قیمت‌های نفت خام شفاف است. خود من در دوران مرحوم کردان آن را دنبال می‌کردم. برای ساخت یک پالایشگاه خرید نفت خام را پیگیری می‌کردم که شرکت ملی نفت قول فروش نفت خام سرش را برای پالایشگاه داد. وقتی بررسی فنی - اقتصادی را به بانک عرضه کردم، بانک قیمت نفت خام را برای محاسبات و پرداخت وام نیاز داشت که شرکت ملی نفت قیمت‌ها

در دنیا با بخش خصوصی داریم. بنابراین با این شرایط راه‌اندازی بورس هرچند برای بررسی شرایط مناسب بود ولی برای فروش نفت به بخش خصوصی مناسب نبود.

### محمد خاقانی - مدیرکل سابق امور

**نفت و گاز دریای خزر -** نیز با تکمیل تاریخچه راه‌اندازی بورس نفت گفت: در سال ۱۹۸۰ میلادی با استفاده از مرخصی بدون حقوق برای تکمیل تحصیلات دانشگاهی‌ام به انگلیس رفتم. در آن دوران قیمت‌های نفت خام نوسانات شدیدی داشت و بسیاری از صاحب‌نظران علت نوسانات قیمت را فعال شدن بازارهایی که به فیوچرز مارکت (Futures Markets) شهرت یافته بودند؛ میدانستند. چراکه برای مردمی که اصلاً با مسائل اساسی صنعت نفت، یعنی عرضه و تقاضا آشنائی نداشتند، این فرصت فراهم شده بود که وارد معاملات نفت خام و فرآورده‌های نفتی بشوند. در واقع مصرف‌کنندگان عمده نفت خام در پی فعال کردن این بازارها، به منظور کاهش قدرت تعیین قیمت اوپک بودند.

ایران در آن دوران در اوپک تلاش زیادی بعمل آورد که نقش اوپک در تعیین قیمت‌های نفت خام متزلزل نشود. اما متأسفانه تحریک صدام حسین برای حمله به ایران و حمایت برخی از کشورهای عضو اوپک از صدام حسین موجب اختلاف در اوپک شد. عربستان سعودی روش جدیدی را برای قیمت نفت در بازار معرفی کرد که به نت‌بک (Net Back) شهرت یافت. بازار بورس بین‌المللی لندن IPE نیز در حال تأسیس بود. یک روز از شرکت ملی نفت تلفن زدند که بدلیل برخی مشکلات، در فروش نفت خام در دفتر لندن همکاری کنم. من هم از دانشگاه و مقامات محلی مجوز لازم را اخذ کردم و مشغول فروش نفت خام شدم.

در آن دوران روش‌های جدیدی برای تجارت نفت خام در بازار تجربه می‌شد. شرکت‌های نفتی و دلالان نفتی خودشان را با وضعیتی روبرو می‌دیدند که در برابر



البته چندان هم به این امر دامن نزنیم؛ چرا که نه به نفع بخش خصوصی، نه دولت و نه شرکت ملی نفت است. هیچ کس ذی‌نفع عدم فروش نفت در بورس نیست. چرا که در این صورت اگر هم در آینده بتوانیم بستری را فراهم کنیم که بورس نفت وسیله‌ای برای ورود بخش خصوصی به تجارت نفت شود را از بین برده‌ایم. برای بخش خصوصی باعث شرمندگی است که در معامله ۲۵۰-۲۴۰ میلیون دلاری نفت خام ایران نتوانسته وارد شود. شرکت‌های ایرانی هیچگونه سهمی از معامله نفت خام در حمل و نقل، هیچ، بیمه و بازاریابی آن ندارند، که این امر برای بخش خصوصی خوب نیست.

را محرمانه می‌دانست و اعلام نمی‌کرد که با پیگیری مرحوم کردان ابتدا قیمت‌ها را بر روی سایت رویترز و بعداً بر روی سایت شرکت ملی نفت اعلام کردند و اکنون قیمت نفت خام‌های مختلف ایران بر روی سایت اعلام می‌شود. در عرضه نفت در بورس نیز کارشناسان از همین قیمت‌ها برای اعلام سفارش استفاده کردند. البته هنوز هم اعلام می‌کنم که بخش خصوصی آمادگی خرید نفت خام را ندارد؛ چرا که فروش نفت خامی ایران عمدتاً در قالب قراردادهای دولتی است. قراردادهای چین، ترکیه و کره جنوبی عمدتاً دولتی است. هند هم شرکت‌های دولتی دارد و ما قراردادهای خیلی کمی

بودم سیاست گذاران وقت صنعت نفت به این نتیجه رسیده بودند که باید روش‌های نوینی مدنظر قرار گیرد. در آن دوران فروش فرآورده‌های نفتی به صورت دو نرخی انجام می‌شد و سود کلانی از طریق رانت‌خواری نصیب صادرکنندگان فرآورده‌های نفتی می‌شد. معاونت وزیر نفت و مدیرعامل وقت شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران گزارش‌های متعددی در باره فساد در این رابطه به وزیر وقت نفت داده بود. براساس اینگونه گزارش‌ها وزیر وقت نفت دستور افزایش قیمت برخی از فرآورده‌های نفتی را داد که البته مورد اعتراض هم قرار گرفت. اما با انتقال اطلاعات صحیح به مجلس، در نهایت قانون افزایش قیمت فرآورده‌های نفتی تصویب شد. اولین شرح کار مطالعه بورس نیز از طرف بورس تهران ارائه شد که پذیرفته نشد و پیشنهاد انجام مطالعه راه‌اندازی بورس فرآورده‌های نفتی توسط امور بین‌الملل را مطرح کردیم. البته مدیریت وقت امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران به دلیل جلساتی که با IPE در لندن داشت و IPE موفق شده بود مدیریت مذکور را متقاعد کند که بورس نفت در ایران موفق نخواهد شد، نظر مثبتی با راه‌اندازی چنین بورسی نداشت. طبیعی هم بود که IPE مخالف تشکیل چنین بورسی به دلیل جلوگیری از تضعیف جایگاه خود باشد.

ولی وزیر نفت دولت هشتم تصمیم دیگری گرفت و همانطور که عرض کردم یکی از مشاوران‌اش را مسئول مطالعه بورس نفت کرد. معاون وزیرنفت وقت در امور نفت و گاز دریای خزر که تکمیل طرح خط لوله نکاء-ری و خط لوله انتقال نفت آسیای مرکزی و دریای خزر به خلیج فارس (بندر جاسک) را با علاقه پیگیری می‌کرد به من ماموریت داد که با مشاور وزیر نفت برای راه‌اندازی بورس نفت همکاری کنم. من هم با توجه به مطالعاتی که از دوران تحصیل داشتم با علاقه برای راه‌اندازی بورس نفت کمک می‌کردم. اما بعد از مدتی در کمال تعجب از آن مشاور وزیر نفت

ایشان هم الحق علاقه خوبی نشان داد و مقالات خوبی در حمایت از بورس نفت نوشت. دولت مالزی مطالعاتی درباره بورس نفت کرده بود و آن را اسلامی تشخیص نداده بود. چرا که در اینگونه معاملات برای فروشنده و خریدار نیت تحویل دادن و تحویل گرفتن نفت‌خام مطرح نیست و به صورت فیزیکی فروشنده و خریدار، صاحب کالای مورد معامله نیستند. بنابراین، در باره شرعی بودن این بازارها مطالعه کردیم. با انتقال یکی از مدیران ارشد از امور بین‌الملل شرکت ملی نفت به دفتر شرکت ملی نفت ایران در لندن و همچنین انتصاب یکی از مدیرانی که در بانک مرکزی تجارب خوبی داشت به مدیریت عامل شرکت کالای نفت لندن، به آرامی زمینه بحث و اقدام در باره موضوعات مرتبط با جلوگیری از ضرر و زیان‌ها مشهور به هجینگ قوت گرفت. در آن دوران گروهی که مدیریت در امور بین‌الملل نفت را عهده‌دار بودند از بازرگانی دولتی و وزارت بازرگانی به نفت آمده بودند و با توجه به شرایط خاص کشور در آن زمان موافق فروش نفت‌خام و خرید کالاهای مورد نیاز کشور در چارچوب قراردادهای تهاتری بودند. با تأسیس شرکت نیکو بعنوان یک شرکت مستقل اروپائی در خارج از کشور بطوری که در آن دوران شنیده شد اقداماتی برای ورود به بازارهای فیوچرز بعمل آمد. اما موفقیت‌آمیز نبود. البته، در شرکت ملی نفت و به طور خاص امور بین‌الملل این شرکت یک مشکل بزرگ وجود داشت که هنوز هم وجود دارد. به این معنی که به جای بازاریابی نفت‌خام، تنها یک اداره فروش نفت‌خام وجود دارد. شرکت ملی نفت ایران فقط می‌تواند نفت بفروشد و اجازه خرید نفت‌خام را ندارد. در آن دوران مطالبی که درباره ضرورت ورود به بورس‌های نفتی تهیه و منتشر می‌شد، کمک خوبی بود تا موضوع بورس نفت بهتر مورد توجه قرار گیرد. در دورانی که سمت مدیرکل امور نفت و گاز دریای خزر و مدیر انرژی در دبیرخانه اکو را عهده‌دار

نوسانات قیمت در بازار با خطر ضرر و زیان غیرقابل پیش‌بینی مواجه بودند. بنابراین، قیمت‌های معروف به فوروارد (Forward) یعنی قیمت قابل پرداخت برای محموله‌ای که برای خرید و فروش آن قراردادی منعقد شده و در یک زمان معلوم در آینده محموله نفت‌خام توسط فروشنده به خریدار تحویل می‌شد. همچنین قیمت‌های بازار جدید فیوچرز (Futures) برای کاهش خطرات ضرر و زیان ناشی از نوسانات قیمت مورد توجه قرار گرفت. روشی که برای این کار مورد استفاده قرار می‌گرفت به هجینگ (Hedging) شهرت یافت. در این شرایط برای رساله تحصیلی‌ام، موضوع بورس‌های نفتی (The Petroleum Futures Market) را انتخاب کردم. تجارت آنچه به بشکه‌های کاغذی (Paper Barrels) شهرت یافت در ابتدا از توسعه تجارت نفت‌خام مخلوط برنت (Brent Blend) دریای شمال اسکاتلند، بنزین روسیه و مقدار کمی نفت‌خام دبی شروع شد. در اینگونه معاملات خریدار و فروشنده نیت اینکه محموله مورد معامله را بطور واقعی یا فیزیکی تحویل بدهند و یا تحویل بگیرند را نداشتند. زنجیره معاملات بین اولین فروشنده تا آخرین خریدار که محموله فیزیکی را تحویل می‌گرفت بسیار پیچیده بود و به Daisy Chains شهرت داشت. فرصت خوبی برای مطالعه میدانی با بانک‌ها و شرکت‌های نفتی پیدا کردم و رساله‌ام را تمام کردم و به ایران برگشتم. تجاربی که کسب کرده بودم به من این امکان را داد که درباره تقویت بازاریابی نفت‌خام شرکت ملی نفت ایران و ضرورت حضور و ایفای نقش موثر در بورس‌های نفت صحبت کنم و بحث ایجاد بورس نفت در ایران را مطرح کردم. با یکی از همکارانم در آن دوران که در سمت کارشناس اشتغال داشت و برای مدت کوتاهی تا این اواخر سمت مدیریت در امور بین‌الملل شرکت ملی نفت را عهده‌دار بود و به زبان عربی آشنائی داشت، موضوع معادل‌سازی اصطلاحاتی مانند Option را مطرح کردم.

جانبازان و ۱۰ درصد نیز به سازمان جزیره کیش تعلق دارد.

یکی از شرکت‌های زیرمجموعه صندوق بازنشستگی و رفاه صنعت نفت با شرکت نیکو در امور معاوضه نفت خام حوزه دریای خزر همکاری نزدیکی داشت. این انتظار می‌رفت که در بندر نکاه نفت خام‌های وارداتی برای معاوضه مخلوط شوند و معادل نفت خام سبک ایران به پالایشگاه‌های داخلی تحویل شود. بنابراین بتدریج می‌شد نفت خام مخلوط نکاه را بعنوان یک نفت خام شاخص برای قیمت‌گذاری نفت خام‌های تولیدی در حوزه دریای خزر جایگزین نفت خام برنت دریای شمال اسکاتلند کرد. این نفت خام که معادل نفت خام سبک ایران بود مد نظر بود تا کم‌کم در خلیج فارس هم بتواند بصورت شاخص قیمت ایفای نقش کند. به موازات این برنامه‌ها برای راه‌اندازی بورسی نظیر بورس‌های دیگر، شرکت نفت پترو قزاقستان که نفت خام کمکول را در قزاقستان تولید می‌کرد با شرکت نیکو قراردادی برای معاوضه نفت خام کمکول قزاقستان بست که بسیار سبک و با درجه API حدود ۴۷ بود و با قطار از مرز سرخس وارد ایران می‌شد و پس از مدت زمان حدود ۱۵-۲۰ روز به پالایشگاه تهران می‌رسید. این نفت خام می‌توانست یک نفت خام با قرارداد استاندارد از نظر مشخصات و مدت تحویل در مقصد برای معامله در بورس نفت کیش مد نظر قرار گیرد که متأسفانه چین شرکت پترو قزاقستان را خرید و صادرات نفت خام کمکول به ایران را قطع کرد.

حال با توجه به تاریخچه پرفراز و نشیب بورس نفت، این سوال مطرح است که چرا در زمان سرپرستی جناب آقای علی‌آبادی در وزارت نفت با عجله و بدون توجه به مطالعات مقدماتی انجام شده قبلی هربار حجم ۶۰۰ هزار بشکه نفت خام با مشخصات غیرقابل قبول و نحوه تحویل و چگونگی تسویه حساب مالی نامعلوم بین فروشنده و خریدار با تبلیغات گسترده حراج شد و نام آن را بورس نفت کیش گذاشتند. در حالی

خرید و فروش نفت خام در بندر نفتی نکا که آن را می‌توان بازار جنوب دریای خزر نام‌گذاری کرد، کاملاً منطقی و شدنی بود. این پیشنهاد در چارچوب برنامه‌های پنج ساله همکاری انرژی / نفت سازمان همکاری اقتصادی اکو مورد توجه قرار گرفته و پیگیری می‌شود. چون اکو سازمانی متشکل از کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده عمده نفت خام و گاز است. اولین اجلاس وزرای نفت و انرژی اکو هم در پاکستان در سال ۲۰۰۰ میلادی و دومین اجلاس در سال ۲۰۱۰ میلادی در تاجیکستان برگزار شد و قرار است جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۱۲ میزبان سومین اجلاس در تهران باشد. مهم‌ترین هدف تاسیس بورس نفت



کیش شفاف‌سازی معاملات فرآورده‌های نفتی، قیمت‌ها، مشخص شدن میزان درآمد و سود و پرداخت مالیات شرکت‌های تجاری فعال در خرید و فروش و صادرات فرآورده‌های نفتی بود. قاعدتاً تحقق چنین بورسی به شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های تابعه این امکان را می‌داد تا نقش تنظیم‌گر و مدیریت بازار در چارچوب این واقعیت که انرژی رابطه مستقیم با امنیت ملی دارد را ایفا نماید. در هر حال صندوق بازنشستگی و رفاه صنعت نفت که به عنوان بخش خصوصی فعالیت تجاری دارد، ۸۰ درصد از سهام بورس نفت کیش را در اختیار دارد، ۱۰ درصد سهام به بنیاد مستضعفان و

شنیدم که نظرش تغییر کرده و با مخالفان بورس نفت وافق شده و تاسیس بورس نفت را اجرایی نمی‌داند و معتقد شده بود که این طرح شکست خورده است. این در حالی بود که گروه اروپائی ویمپول با مشارکت بورس تهران که دربرگیرنده یکی از مدیران ارشد اجرائی بورس نفت در اروپا بود، مناقصه مطالعه راه‌اندازی بورس نفت ایران را برنده شده بود و مطالعات مقدماتی را انجام داده بود و باستناد آن مطالعات مقدماتی، شرکت بورس نفت در جزیره کیش ثبت و تاسیس شد. متأسفانه هزینه مطالعات مقدماتی هم پرداخت نشد. معاون وزیر نفت در امور نفت و گاز دریای خزر در اوائل دولت نهم که تجارب خوبی در پارس جنوبی نیز

داشت، طرح اعلام منطقه نکاه بعنوان منطقه آزاد تجاری نفت و گاز را مطرح کرد. من نیز در مطالعاتی که انجام دادم، پیشنهاد ایجاد محور خزر و باصطلاح Caspian Hub را به معاون وقت وزیر نفت در امور نفت و گاز دریای خزر دادم تا به جای معاوضه نفت خام حوزه دریای خزر که به سوآپ شهرت یافته برای نفت و گاز حوزه دریای خزر از مسیر ایران بازاریابی کنیم و نوعی خرید و فروش نفت خام جایگزین معاوضه نفت خام شود. زیرا، در حوزه دریای خزر تولیدکنندگان نفت خام متعددی داریم که تولید آنها در سطوح حجم کم یعنی بین روزی ۵ تا ۵۰ هزار بشکه است. بنابراین ایجاد یک بازار



در شرایط تحریم هم هستیم و شرکت ملی نفت یک بازار سنتی دارد فروش نفت دارد که آنرا به سختی حفظ می‌کند؛ آیا خریداران بورسی نفت خام ایران می‌تواند بازار نفت ایران را توسعه دهد؟ یا خریدار احتمالی داخلی در بازارهای شرکت ملی نفت به عنوان رقیب این شرکت حاضر خواهند شد و بازار را به هم خواهند ریخت؟

در بورس پتروشیمی هم اگر به طور خاص موفق‌تر بوده که نبوده، آیا دلیل آن خصوصی‌سازی واحدهای پتروشیمی نبوده که ابتدا عرضه‌کنندگان متعدد محصولات وجود داشته‌اند؟ ضمناً روند طبیعی شکل‌گیری بورس‌های متداول دنیا این بوده است که با شکل‌گیری بازار بین عرضه و تقاضا، به تدریج آنها را در قالب بازار بورس سامان‌دهی کرده‌اند. در مورد بازار فرآورده‌های ویژه هم اینگونه است. اما به طور خاص در مورد نفت خام شکل‌گیری بورس چه مشکلی را حل خواهد کرد؟ اگر هدف تنها تعریف یک شاخص جدید نفت خام است، آیا لازمه تعریف یک شاخص جدید، راه‌اندازی بازار بورس است؟ یا اینکه شرکت ملی نفت می‌تواند پس از انجام مطالعات به جای اینکه نفت خام خود را با نفت‌های شاخص سبک عربستان یا عمان سنجش کند و با فرض قابل توجه بودن حجم نفت خام، شاخص جدیدی را به تدریج در بازار مطرح کند؟

بحث دیگری نیز که مطرح است، این است که عرضه نفت خام خاصی مثل نفت بهرگان چه معنایی دارد مگر نه ما تاکنون تمام نفت خام تولیدیمان را با یکدیگر مخلوط نمی‌کردیم تا بتوانیم نفت خام خود را به بهترین قیمت به فروش برسانیم که ارزش افزوده بالاتری هم داشته باشد. یعنی وقتی همه نفت خام کشور توسط شرکت نفت تولید و در خاک مجتمع می‌شود عرضه مخلوط‌های بهینه بهتر است یا ارائه نفت خام‌های خاص؟ در این ساختار، راه‌اندازی بورس نفت چه مزیت‌هایی به منافع ملی ما خواهد افزود و چه زیان‌هایی

در رقابت با ما ایجاد بورس نفت را دنبال می‌کرد، در نهایت به این نتیجه رسید که تنها برای نزدیک کردن زمان و مکان جغرافیایی، نمایندگی بورس نیویورک موسوم به NYMEX را در منطقه داشته باشد که البته حتی آن هم چندان موفق نبود. بنابراین بازار آتی سوم نه تنها در ایران که در دیگر نقاط جهان نیز با وجود NYMEX و بورس لندن موسوم به ICE نمی‌تواند شکل بگیرد.

نکته دوم این است که آیا معاملات آتی به نفع ما است؟ خیلی از کارشناسان معتقدند که پس از دهه ۷۰ و شوک اول نفتی و استراتژی که کشورهای صنعتی در پیش گرفتند، بازارهای بورس شکل گرفتند تا در بازار نفت خام که به دلیل ماهیت نفت یک انحصار ذاتی و طبیعی دارد، رقابت ایجاد کنند، تا از این راه بخشی از قدرت قیمت‌گذاری که اوپک به دلیل انحصار طبیعی در اختیار دارد را از این سازمان خارج و به بازارهای دیگر منتقل کنند. بنابراین به نوعی گسترش بازارهای بورس را در مقابل بازار اوپک می‌دانند. بنابراین آیا در این شرایط صحیح است که ما بازارهای آتی و کاغذی را تقویت کنیم و آیا این امر مطالعه شده است؟ سومین نکته اینکه آیا معاملات کاغذی وجه شرعی دارد یا خیر؟ و چهارم اینکه زمانی که ما تجربیات ناموفقی از ورود بسیار محدود به بازارهای بورس دنیا داریم، چگونه می‌خواهیم یک بازار آتی با آن شرایط ایجاد کنیم.

در ضمن حتی اگر بورس فعلی با توجه به فشار دولت راه‌اندازی شود و معاملات فیزیکی نفت (و نه معاملات کاغذی و نفت) را انجام دهد، در شرایطی که انحصار تولیدکننده‌ای به نام شرکت ملی نفت وجود دارد و به دلیل نبود تولیدکنندگان مستقل متعدد، عرضه به صورت انحصاری انجام می‌شود و همچنین رابطه حاکمیتی وزارت نفت با شرکت ملی نفت مشخص نیست و تعارض بین اساسنامه شرکت ملی نفت و قانون نفت سال ۱۳۶۶ وجود دارد و بسیاری مشکلات ساختاری دیگر هم وجود دارد و

که بورس نفت کیش نبود. به نظر من عده‌ای می‌خواهند که در این بازار نوع جدیدی از رانت‌خواری را باب کنند و یا اینکه برخی از کشورها نظیر چین با توجه به نفوذی که دارند در پشت پرده طرح دیگری را با همکاران ایرانی‌شان دنبال می‌کنند و قصد دارند تا موضوع و طرح بورس نفت کیش بکلی شکست خورده و منتفی اعلام شود.

**حسن‌ناش** در جمع‌بندی مطالب مطرح شده بیان کرد؛ تاریخچه بورس نفت نشان می‌دهد که این کار براساس یک فکر منسجم مطالعه جامع و اهداف روشن و نظام‌تصمیم‌گیری منظم نبوده و فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده است. ضمن اینکه هم اهداف مشخص نیست و مرتب تغییر کرده و هم نظامات و ساختارهای لازم متغیر بوده و تدوین نشده است و در مجموع تمام جوانب کار شامل صلاحیت و توانایی گروه‌هایی که ایفای نقش می‌کنند و از همه مهم‌تر این که چه مشکلی در راه‌اندازی بورس حل خواهد شد، و چه منفعی به کشور اضافه خواهد شد مشخص نشده است.

اما در قسمت دوم بحث درخواست دارم تا به دو مسئله پرداخته شود، که در بین صحبت‌ها نیز بخشی از آن مطرح شد. اول آنکه به نظر می‌رسد در بحث‌های اولیه بورس نفت، بحث بازارهای آتی‌ها برای معاملات کاغذی در بورس مطرح نبوده و تنها بازار با هدف بازار فیزیکی در ایران مطرح شد. همواره این سوال هم مطرح بوده که وقتی بازارهای بورس آتی یا کاغذی با سابقه و منظمی در دنیا وجود دارد که به تدریج قوانین و نظامات منظم و گسترده‌ای نیز پیدا کرده‌اند و دنیای اینترنت یا مجازی نیز بدون توجه به مکان فیزیکی امکان حضور در آنها را به وجود آورده است؛ اگر ما بخواهیم یک بورس بین‌المللی در قالب بازارهای آتی تشکیل دهیم، چه کسی و با چه انگیزه‌ای حاضر خواهد شد تا در یک بورس جهان سومی و در حال پیدایش و در یک کشور در حال توسعه معامله کند. شاید کشور امارات هم که در یک مقطع زمانی

را کم خواهد کرد و چه فرصت‌های جدیدی برای ما ایجاد خواهد کرد؟

**سالاری** در پاسخ به سوالات مطرح شده گفت: از صحبت‌های آقای خاقانی استنباط می‌شود که راه‌اندازی بورس نفت براساس مطالعات شخصی انجام شده است. ولی هنوز این سوال که هدف از راه‌اندازی بورس نفت چیست، برای من باقی است. NYMEX در آمریکا با معامله پتیر، کره و تخم‌مرغ شروع شد، بعد معاملات مرغ و ماکیان اضافه شد و نیازهای بعدی نیز به مرور دیده شد و زمانی که شرایط دهه ۷۰ میلادی و تاثیرگذاری اوپک بر قیمت‌های نفت خام و اوج‌گیری اوپک از ۱۹۸۴-۱۹۷۴ صورت گرفت، بورس نفت نیز شکل گرفت. بورس‌ها و

کار نمی‌کند. شاید برخی کارشناسان این دیدگاه را دارند که در انجام این تکلیف شاید دقت نظر بیشتری لازم است و این را به طرق مختلف بیان می‌کنند و اعتقاد دارند که امروز، با سازوکار موجود، تشکیل این بورس مشکلی را حل نمی‌کند. هم‌اکنون، خرید و فروش قرار دادهای کاغذی گاهی به رقم ۱/۴ میلیارد بشکه در روز نیز رسیده است. به نظر من منطق اقتصاد بسیاری از اقتصادها را راهنمایی کرده که به سمت این بازارها بروند و از آن بهره ببرند.

حال اگر بخواهیم یک بورس موفق داشته باشیم، اولین سوال این است که آیا نیاز به آن وجود دارد. پاسخ من این است که زیرساخت‌ها برای تأمین این نیاز فراهم

امروز بخش خصوصی عنوان می‌کند که اگر با شرکت ملی نفت کار کند، دچار مشکلات بانکی می‌شود، چگونه این بخش در شرایط دشوار به شرکت ملی نفت کمک خواهد کرد؟! وقتی در شرایط امروز که شرکت ملی نفت به راحتی در زمینه فروش نفت اقدام می‌کند، بخش خصوصی با دل‌نگرانی مواجه هست، در شرایط دشوار این دل‌نگرانی به تبع بزرگ‌تر می‌شود.

آقای **حسینی** از بورس ترکمنستان به عنوان یک بورس موفق یاد کردند، اما خریداران بورس ترکمنستان چه کسانی هستند و پتانسیل جذب خریدار در این بورس چه میزان است؟ این در حالی است که حتی یک شرکت ایرانی وقتی حاضر به حضور در بورس ترکمنستان می‌شود، اولین موضوع اطمینان خاطر نسبت به سرمایه خود است و اگر ریسک غیرمدیریت شده برای آن شرکت وجود داشته باشد، در آن بورس حاضر نمی‌شود. اما با توجه به شرایط امروز این سوال مطرح است که آیا شرکت‌های بین‌المللی توانمند که در خرید و فروش روزانه ۲۵۰-۲۴۰ میلیون دلاری نفت خام ایران حضور دارند، حاضر به حضور در بورس نفت ایران هستند؟

همچنین بخش خصوصی ما در کدام معامله نفتی در بازارهای بین‌المللی حضور دارد؟ چرا این شرکت‌ها در بازار عربستان و کویت وارد نشدند؛ چرا وارد بازارهای آتی‌ها نشدند. مگر نه اینکه بازار آتی‌ها تضمین‌کننده سرمایه و کاهش‌دهنده ریسک بخش خصوصی است؛ چرا به این بخش وارد نشدند؟

اگر بازار بورس براساس نیازهای واقعی اقتصادی در منطقه خلیج فارس شکل گیرد، دیگران هم خواهند آمد، اما آیا امروز جایی برای آن دیده می‌شود؟ آقای حسینی اشاره کردند که با شرکت‌های بزرگ بین‌المللی کار کرده‌اند، آیا امکان می‌دهند که این شرکت‌ها بیایند و این بورس فعال شود؟

سوال شد که آیا بازارهای آتی‌ها به نفع ما است؟ بازارهای آتی‌ها شامل نفع و



سازوکار منظم و رفتار اقتصادی آنها به دلیل نیازی است که به وجود آنها احساس می‌شود. یکی از این نیازها، نیاز به خارج کردن بازار از سلطه تولیدکننده یا انحصارگر مطلق است. اما امروز وقتی می‌پرسیم که بورس نفت کدام یک از نیازهای ما را تأمین می‌کند، پاسخی مشخص به این سوال داده نمی‌شود.

اما عرضه قیر در بورس موفق بود، چرا که فساد و رانتی وجود داشت که برای حل آن راهکارهای متعددی مطرح شده بود و یکی از این راهکارها که پاسخگوی نیاز بود موفق عمل کرد. اما بورس نفتی که نیازی برای آن احساس نشود، بر مبنای تکلیف شکل می‌گیرد. اما اقتصاد با دستور

نیست. برای ایجاد بورس موفق نیازمند برخی زیرساخت‌ها هستیم. مثلاً اگر قرار است تا بخش خصوصی در بورس شرکت کند باید توانمند باشد، اما توانمندسازی آن در چارچوب وظایف شرکت ملی نفت ایران تعریف نشده است. شرکت ملی نفت ایران وظیفه تولید و فروش نفت خام را دارد و در بخش فروش موظف است که با بهترین شرایط نفت خام را بفروشد و منافع ملت ایران را تأمین کند.

در صحبت‌ها مطرح شد که بخش خصوصی از طریق بورس می‌تواند، اگر در آینده شرایط دشوار شد، در فروش نفت خام به شرکت ملی نفت کمک کند. اما وقتی

ایران معامله شود و پس از ده سال نفت خام سبک ایران حتی به عنوان شاخص شناخته شود، آیا مطالعه‌ای انجام شده است که این امر ضرورتاً به نفع ایران است؟

**کاملی** دیگر سخنران میزگرد نیز در پاسخ به سوالات مطرح شده گفت: در پاسخ به سوال آقای حسن تاش باید عنوان کنم، چرا افرادی وارد بازار بورس می‌شوند و بیش از ۴۲۰ میلیون بشکه نفت خام WTI و بیش از ۲۰۰ میلیون بشکه نفت خام برنت را که کمتر از ۲۰۰ هزار بشکه در روز تولید می‌شود را در یک روز مورد معامله قرار دهند؟ برای اینکه دو مسئله خود را حل کند. ما در بازار بورس کشورمان کدام یک از این دو را می‌توانیم به آنها عرضه کنیم. چنین فردی که وارد آن بازار می‌شود، نه شیفته نفت خام برنت هستند و نه نفت خام WTI. بلکه این تنظیمات و قوانین آن بازارهاست که معامله‌گران را به سوی خود جلب می‌نماید. اکنون نفت خام برنت علاوه بر معامله در بازار ICE لندن در بازارهای NYMEX، DME و سنگاپور نیز قیمت‌گذاری شده و مورد معامله قرار می‌گیرد. ضمن آنکه تضمین تحویل نفت خام نیز برای آن بخش بسیار اندک (کمتر از نیم درصد) که معاملات کاغذی بورس را به حالت فیزیکی تبدیل می‌کنند، نیز وجود دارد. این قابلیت بالای انجام معامله روی یک نفت خام را در اصطلاح سیالیت و یا Liquidity می‌نامند. به عبارت دیگر وقتی که عنوان می‌شود که یک نفت خام از درجه Liquidity بالایی برخوردار است، یعنی اینکه از مقبولیت لازم در بازار برخوردار بوده و امکان تعدد معاملات بالایی برای آن وجود دارد بدون آنکه هیچگونه محدودیتی برای آن از جهات مختلف وجود داشته باشد که برآیند این شرایط خود تعیین‌کننده قیمت‌های واقعی و ناشی از عرضه و تقاضا در بازار است. اما چرا به طور مثال بازار DME قادر به رقابت با بازارهای ICE و NYMEX نیست. به خاطر اینکه در این بازار حدود ۷۰ درصد از معاملاتی که انجام می‌شود، شامل خریدارانی می‌گردد که نفت خام را صرفاً

آیا ما قصد داریم از اهمیت اوپک بکاهیم؟ از طرفی دیگر در بازارهای موجود بورس نفت خام اکثر کشورهای عضو اوپک به جزء ایران حضور دارند. البته ممکن است مستقیم حضور نداشته باشند، ولی شرکت‌های چند ملیتی نفتی فعال و شریک در تولید نفت و گاز در این کشورها در این بازارها فعال هستند. از آنجا که ما در این بازی بورس نفت نقشی نداشته‌ایم، سیاست‌گذاران وقت در وزارت نفت به این نتیجه رسیدند که با ورود به بازی بورس نفت لااقل می‌توانیم قوانین بازی را یاد بگیریم و هر وقت بازیگران دیگر با قیمت‌ها به نفع خودشان بازی می‌کنند ما هم لااقل در بازی بهم‌زدن سهمی داشته باشیم. در واقع شرکت‌های نفتی و سیاستمداران غربی نسبت به ورود ما در این بازی حساسیت نشان دادند و روزنامه‌های آمریکائی نوشتند، موفقیت بورس نفت ایران می‌تواند از موفقیت ایران در برنامه انرژی هسته‌ای این کشور برای غرب خطرناک‌تر باشد.

**سالاری** در ادامه مباحث خود افزود: فکر می‌کنم برای اثبات نظر آقای خاقانی مبنی بر جلوگیری از تشکیل بورس نفت ایران توسط بورس‌های بزرگ دنیا شواهد چندانی در دست نیست. به نظر من باید دو رقیب هم‌تراز باشند تا احساس نگرانی شدید ایجاد شود و فکر نمی‌کنم که هم‌اکنون NYMEX دل‌نگران تشکیل بورس در تهران یا کیش با سازکارهای امروز ما است.

در خصوص لزوم یا عدم لزوم تشکیل بورس نفت هم باید گفت، ما باید با توجه به شرایط، منافع خود را بهینه کنیم. اگر شرایط به گونه‌ای باشد که ضرورت و نیاز تشکیل بورس و قیمت‌گذاری بر مبنای نفت ایران احساس شود، ما باید به سمت آن حرکت کنیم. اما اگر ضرورتی وجود نداشت و منافع ما ایجاد کرد که در شرایط و ساز و کار موجود رفتار کنیم، ما باید براساس منافع ملی خود رفتار کنیم.

سوال من این است که با فرض آنکه نفت مخلوط نکاء به جای نفت خام سبک

ضرر است؛ اما اگر منظور یک تولیدکننده انحصاری است، این بازار برای چنین تولیدکننده‌ای طراحی نشده است. یک تولیدکننده انحصاری تحت پوشش ریسک طبیعی به دلیل تحولات قیمت است و قرار هم نیست که نفع یا ضرری کند و وجود و حضور این بازارها با هدف سود و زیان تولیدکنندگان انحصاری نیست. چرا آرامکو و دیگر شرکت‌های ملی نفت در این بازارها به این شکل فعال نیستند؟ ولی بخش‌های خصوصی همین کشورها در این بازارها هستند و هر بخش خصوصی که توانمند، آگاه و با دانش باشد، در این بازار سود می‌کند، یا حداقل برای پوشش ریسک خود از آن استفاده می‌برد.

در ادامه **خاقانی** در پاسخ سوالات مطرح شده گفت: از آنجائی که متأسفانه در جمهوری اسلامی ایران یک برنامه و استراتژی کلان انرژی تعریف شده نداریم، بسیاری از کارها براساس سلیقه، منافع و تمایلات گروهی و شخصی اتفاق می‌افتد. مثلاً من در دوران تحصیلات دانشگاهی با بورس نفت آشنا شدم و به این نتیجه رسیدم که ما هم می‌توانیم در آن وارد شویم و در مورد آن صحبت و بحث کردم و این نظر به دلیل اینکه منافع رانت‌خواران را به مخاطره می‌انداخت در آن دوران با مخالفت‌های زیادی روبرو شد. لکن، با توجه به علاقه وزیر وقت نفت و معاونین او که مایل بودند سود رانت‌خواران را محدود و یا از میان ببرند، بعداً تبدیل به استراتژی و طرح و تأسیس بورس نفت کیش شد و موضوع ایجاد هاب خزر و همکاری‌های منطقه‌ای انرژی/نفت اکو مطرح شد. ضروری است که یادآوری کنم که در دهه ۱۹۸۰ میلادی با وارد کردن نفت خام و فرآورده‌های نفتی به بورس، هدف کاهش قدرت قیمت‌گذاری اوپک و تبدیل نفت از یک کالای استراتژیک به یک کالا مثل بقیه کالاها بود. اما اینک با حراج نفت خام ایران در بورس کالا، هدف ما چیست؟ آنهم در سالی که ایران ریاست اجلاس وزرای نفت اوپک را عهده‌دار است.

که این بازی جدید حراج نفت خام به جای بورسی که مطالعه مقدماتی آن انجام شده بود را راه انداختند، باید از جمله دوستان ناآگاه محسوب کرد که فرصت مطالعه تاریخیچه بورس را نداشتند. وگرنه به این نحو عمل نمی‌کردند که مطمئن هستیم آنهاست که از فعال شدن بورس نفت ایران نگران بودند را خرسند کرده‌اند. در هر حال هدف ایفای نقش در حوزه دریای خزر برای نفت خام بود و برای داخل کشور جلوگیری و کاهش فساد رانت‌خواری در فرآورده‌های نفتی و زمینه‌سازی لازم برای حذف یارانه‌های سوخت و مشارکت مردم در تولید (پالایش) و عرضه سوخت. مهندس نعمت‌زاده با درک این موضوع وقت زیادی برای پیگیری در صنعت پالایش و پخش اختصاص داد و مذاکرات و برنامه‌های بلندمدتی را با شرکت توتال فرانسه برای واردات نفت خام میدان نفتی کاشکان قزاقستان به ایران و پالایش در پالایشگاه‌های ایران با جدیت پیگیری کرد.

**کاملی** در ادامه مباحث خود افزود: در شرایط فعلی اگر حتی چندین معامله نیز بر روی نفت خام ایران انجام شود، در نهایت شرکت ملی نفت ایران در زمان تحویل نفت خام به خریدار نهایی اعلام می‌کند که حق انتقال و فروش نفت خام ایران را به هر مقصد دلخواه و غیرمصرف‌کننده نهایی ندارد. ما به حق یا ناحق به عنوان یک تولیدکننده اوپک این شرایط را داریم؛ دیگر اعضای اوپک هم تقریباً به همین شکل عمل می‌کنند و نفت خام خود را به دست دلالتان نمی‌دهند. چرا که برای نفت خام خود قیمت مشخصی دارند و حاضر نیستند که سهم بازار خود را با فروش نفت به دلالتان از دست بدهند. برای ما که تولیدکننده نفت خام هستیم، مهم گرفتن سهم از بازار و امنیت عرضه است و تا زمانی که این حالت وجود دارد، راه‌اندازی بورس نفت خام بی‌معنی است و تشکیل دستوری بورس نیز به هیچ‌وجه نمی‌تواند متضمن منافع شرکت ملی نفت ایران و حتی در نهایت بخش خصوصی باشد.

می‌خواهد وارد بازار بورس نفت شود، می‌بایست در ابتدا خود با حجم اندک وارد یکی از بازارهای بورس شده تا عملاً با ساز و کار انجام این کار آشنا شود، همان کاری که خیلی از شرکت‌های نفتی اوپک اکنون انجام می‌دهند. سرمایه‌دار بخش خصوصی نیز اگر توانمند است و نگران این است که از بازار ۲۴۰ میلیون دلاری نفت خام ایران سهمی را ندارد، سرمایه خود را به بازار ICE منتقل کند و در آنجا تجربه کسب کند و از آن تجربه پول در آورد. اگر یک شرکت از بخش خصوصی توانست تنها یک دلار از بازار آتی‌ها سود کسب کند، در آن صورت می‌تواند ۱۰۰ هزار بشکه از نفت خام شرکت ملی نفت را برای ورود به بازار بورس مطالبه

جهت مصرف در پالایشگاه‌های خود در منطقه نیاز دارند، بنابراین همین موضوع مانع از ایجاد سیالیت قابل قبول در این بازار که متضمن شکل‌گیری قیمت‌های رقابتی است، می‌گردد.

در خصوص سوالی که مطرح شد که نفت خام ایران باید به عنوان یک شاخص شناخته شود، سوال مهم‌تر این است که اگر ایران در جایگاه عربستان سعودی بود، چگونه رفتار می‌کرد. عربستان در سال‌های ۸۵-۱۹۸۴ نفت خام خود را به عنوان مرجع معرفی کرد و به دلیل شرایط خاصی که آن زمان در بازار وجود داشت، برای جلوگیری از سقوط قیمت‌ها، مدام از عرضه خود کاهش داد و تولید خود را از ۵ میلیون به ۲ میلیون



کند. بنابراین دلیلی ندارد که ما انفال را به ثمن بخش به شرکت‌های داخلی بدیم تا به این ترتیب بازار بورس ایجاد نماییم. در کنار تمام مسایلی که مطرح کردم و شرایطی که برای ورود به بازار بورس بود، باید قبول کنیم که برای فروش نفت خام‌های ایران در حال حاضر محدودیت‌هایی تعیین شده، از جمله فروش صرف به مصرف‌کننده نهایی و عدم ارسال و فروش به رژیم اشغالگر که طبیعی است این موارد می‌تواند در موضوع عرضه آن در بازار بورس محدودیت‌هایی را نیز به همراه داشته و شکل‌گیری یک بورس واقعی را تحت الشعاع خود قرار دهد.

**خاقانی** در پاسخ گفت: به نظر من کسانی

بشکه در روز رساند، اما در نهایت احساس کرد که اشتباه رفتار می‌کند و به خاطر منافع دیگران خود را فدا کرده است. چرا که ساز و کار مناسب برای تعیین قیمت‌ها توسط کشوری چون عربستان وجود نداشت. قیمت دستوری بود و به وسیله عرضه و تقاضا تعیین نمی‌شد. اما امروز عربستان اصلاً دنبال این بحث نیست. امروز قیمت نفت خام عربستان برای حمل به مقصد اروپا براساس نفت خام برنت به مقصد آمریکا براساس نفت خام WTI و به مقصد آسیا براساس متوسط قیمت نفت خام‌های عمان و دویی تعیین می‌گردد.

به نظر من اگر شرکت نفت واقعاً

یک خطر مطرح است، حتی با وجودی که گفته می‌شود که شرکت ملی نفت وظیفه توانمندی بخش خصوصی را ندارد، مجبور است بخش خصوصی که فکر می‌کند، سواد و معلومات کافی را ندارد، کمک کند، آموزش بدهد و بازارها را بشناساند و آن را توانمند کند تا کم‌کم جای او را بگیرد.

دلیل دیگر من بر لزوم راه‌اندازی بورس، گسترش حضور ما در بازار آسیای میانه است. اگر بورس نفتی با قابلیت‌های لازم را داشته باشیم، امکان عرضه نفت ترکمنستان، قزاقستان و حتی قسمت‌هایی از نفت روسیه وجود دارد و بازاریابی و تشکیل یک حوزه انرژی در این منطقه امکان‌پذیر است. به نظر من در مجموعه نظام هم این اراده وجود دارد که کارهای اقتصادی از دولت گرفته شود و حتی اگر به بخش خصوصی هم واگذار نشود، براساس فرمان ۱۰۰ امام، بنیاد و سپاه در این بخش‌ها حضور پیدا کنند و این کار در حال شکل‌گیری است. قدرت دولت روزه‌روز در حال تضعیف است و قدرت برخی از نهادهایی در حال افزایش است که حتی امروز به اندازه دولت قدرت دارند. در واقع مجموعه نظام احساس خطر کرده تا از این پس به دولت‌ها و حزب‌های سیاسی خیلی اعتماد نکند و کارهای اقتصادی از دولت جدا شود و براساس فرمان امام بنیادها در حال ورود به مباحث اقتصادی هستند. اراده‌ای هم از بالا آنها را همراهی می‌کند که بخش‌های اقتصادی در اختیار نهادهایی قرار گیرد که کنترل شده و امانت‌دار نظام هستند. دلیل دیگر برای راه‌اندازی بورس نفت

این است که مجموعه نظام به این نتیجه رسیده که بخش خصوصی به تجارت نفت وارد شود. اگر شرکت ملی نفت قبل از این حاضر به ورود بخش خصوصی شده بود این بخش می‌توانست در بازار آفریقا به بازاریابی نفت‌خام ایران بپردازد و آن بازار را به گستره بازار ایران بیفزاید. بخش خصوصی قادر به ورود به بازار چین و ژاپن نبود ولی می‌توانست به بازار آفریقای ۱۰ سال گذشته وارد شود، ولی هرگاه مراجعه

همان طور که تاکنون نفت‌خام تحریم نبوده است. اما همان طور که نفت‌خام سوریه را تحریم کردند، دلیلی ندارد که نفت‌خام ایران را هم تحریم نکنند و این خود می‌تواند دلیلی باشد که دولت از معاملات نفت‌خام خارج شود. این بحثی جدی است و دل‌نگرانی سران نظام است. آنها فکر می‌کنند که اگر بخش خصوصی واسطه فروش باشد، قدرت تحریم کمتر باشد. سومین نکته آنکه، بورس می‌تواند عاملی برای تغییر استراتژی فروش باشد. استراتژی فروش به مصرف‌کننده نهایی تاکنون جواب داده ولی معلوم نیست که این استراتژی در آینده هم با نوع عملکرد صنعت نفت عراق جوابگو باشد. شرکت ملی نفت چه تضمینی دارد که استراتژی فروش به مصرف‌کننده نهایی ظرف سه سال آینده هم جوابگو باشد. اکنون چهار مشتری عمده ایران چین، هند، کره جنوبی و ترکیه در صنعت نفت عراق سرمایه‌گذاری کرده‌اند و در هیچ کجای جهان همچون عراق ما منابع دست نخورده نفت‌خام نداریم. هیچ تضمینی نیست که با ورود نفت‌خام عراق به این بازارها ما این مشتریان را از دست ندهیم. پارامتر دیگری که برای مسئولین نظام و مجلس مهم است، حذف مدیریت سلیقه‌ای است. مدیریت قبیله‌ای در سازمان‌ها و وزارت‌های ما وجود دارد و بسیاری از مسئولین نظام بر حذف مدیریت سلیقه‌ای تاکید دارند و آن را پیگیری می‌کنند. همچنین همواره این بار اتهام بر شرکت ملی نفت و مدیران امور بین‌الملل این شرکت بوده که مافیای نفتی وجود دارد. بنابراین شرکت ملی نفت هم رضایت دارد که از این بار اتهامی خارج شود و نشان بدهند که هیچگونه مقاومتی در این خصوص ندارند. بنابراین مجبور هستند که با این شرایط همسو شوند و حتی منافع ملی را زیر پا بگذارند و این کار را انجام دهند. در مجموع در صورتی که شرکت ملی

نفت بداند که استراتژی فروش فعلی در درازمدت جواب نمی‌دهد، تحریم‌ها ممکن است خطرناک شود و عراق هم به عنوان

حسینی از دیدگاه بخش خصوصی نیز در پاسخ به سوالات مطرح شده گفت: اینکه آیا این بورس ضروری است یا نه و آیا تشکیل می‌شود یا خیر، امری است که هنوز نا معلوم مانده است. بحث‌هایی همچون اینکه شاخص قیمت داشته باشیم و نفت خام خودمان را با شاخص قیمت خودمان عرضه کنیم هم بحث‌های جانبی است. مگر نه من فکر نمی‌کنم که ما بتوانیم وارد بازار هج شویم، یا حداقل الان امکان‌پذیر نیست. هر چند که برای راه‌اندازی بورس این شعار را می‌دهند و احساسات ملی را برای راه‌اندازی بورس تحریک می‌کنند. این صحبت را خودم نیز بارها تکرار کرده‌ام. تجربه هم نشان داده که دو بورس پتروشیمی و فرآورده به ضرر مملکت نبوده است، هرچند که کامل نیستند، ولی از سلیقه مدیران دولتی و حرف و حدیث‌های مختلف پیرامون آن خیلی بهتر بوده است.

در مورد اینکه آیا بورس تشکیل می‌شود یا خیر؛ به نظر من با فشارهایی که وجود دارد، بورس نفت خام راه‌اندازی می‌شود. حتی اگر استراتژی فعلی فروش نفت‌خام به مصرف‌کننده نهایی نیز باز جواب دهد. خودم نیز بارها از کارشناسان صنعت نفت دفاع کرده‌ام که استراتژی فروش به مصرف‌کننده نهایی تاکنون جواب داده و نیازی به تغییر آن نیست؛ ولی به دلایلی اعتقاد دارم که این بورس نفت مجبور به شکل‌گیری است. اولاً اصل ۴۴ خرید و فروش را فعالیت گروه یک دانسته و شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی به زودی از خرید و فروش منع می‌شود، شرکت ملی نفت هم معلوم نیست که در آینده اجازه خرید و فروش نفت خام را داشته باشد. چرا که فعالیت‌های گروه یک صراحت قانونی برای واگذاری دارد و شرکت ملی نفت به عنوان یک شرکت دولتی حق خرید، فروش و حمل و نقل را ندارد.

دومین دلیل برای راه‌اندازی بورس نفت، نگرانی از تحریم‌ها است. هیچ کس فکر نمی‌کند که نفت‌خام سوریه تحریم شود،

کرد به در بسته خورد در حالی که شرکت ملی نفت پذیرفت که شرکت‌های اروپایی واسطه فروش نفت ایران به بازار آفریقا شوند. به هر حال شرکت‌های ایرانی هم خواهان ورود به این بازار هستند. بنابراین با جمیع جهات با رضایت یا بدون رضایت صنعت نفت، بورس نفت راه‌اندازی خواهد شد و باید کمک کنیم تا در مسیر درستی حرکت کند.

**سالاری** به جمع‌بندی صحبت‌های خود پرداخت و گفت: من نیز با صحبت آقای حسینی در مورد اینکه معاملات در بورس می‌تواند رفتار سلیقه‌ای را حذف کند، موافق هستم. اما اینکه اگر بورس نفت به طور کامل راه‌اندازی شود، می‌تواند به

نفت مخالف یا مانع راه‌اندازی بورس نفت است و این شرکت، نفت‌خام خود را عرضه می‌کند. اینکه نوع نفت عرضه شده غیرعادی است نیز صحیح نیست. هم‌اکنون نفت سنگین صادراتی ایران عرضه می‌شود که کاملاً شناخته شده است.

اما آنچه را که نباید فراموش کرد وجود برخی مشکلات است که اگر آنها را حل نکنیم، حتی در صورت اصرار در فعالیت بورس نفت‌خام، ادامه آن نامعلوم است. این مشکلات هم غیرقابل حل نیستند. اولین مشکل تولید و عرضه انحصاری شرکت ملی نفت است. چرا که انحصاری بودن با ماهیت بورس هم‌خوانی ندارد. باید فکری به حال تولید و عرضه کرد که طبق قانون نفت از



تسهیل در ورود سرمایه باشد. ما خواهان جذب سرمایه بین‌المللی هستیم. حتی بخش خصوصی ایرانی برای ورود به بازار ترکمنستان قوانین آن را بررسی می‌کند و اطمینان خاطر پیدا می‌کند که آنجا سرمایه با تهدید مواجه نمی‌شود و نقل و انتقال آزاد سرمایه از آن کشور انجام می‌شود. آیا زیرساخت‌های ما از جمله زیرساخت‌های IT (فن‌آوری اطلاعات) مانند اینترنت این اطمینان را ایجاد می‌کند که سرمایه بین‌المللی جذب شود؟ یا اگر ما بخواهیم وارد بازار آتی‌ها شویم، آیا خرید و فروش کاغذی نفت‌خام از لحاظ احکام فقهی مشکل ندارد؟ اگر جمیع این شرایط فراهم نباشد، ما نمی‌توانیم نقدشوندگی (Liquidity) بزرگی ایجاد کنیم و نمی‌توانیم با روزانه ۱/۴ میلیارد بشکه معاملات نفت‌خام کاغذی رقابت کنیم.

**حسینی** در جمع‌بندی مباحث خود گفت: با وجود تمام شرایطی که بیان شد، اما من معتقد هستم که اگر شرکت ملی نفت خواهان راه‌اندازی بورس نفت‌خام باشد، قابل اجرا است. مثلاً شرکت نفت اعلام می‌کند که از ۳ ماه آینده نفت سروش خود را به صورت قرارداد بلندمدت نخواهد فروخت و در بازار بورس عرضه می‌کند، در این شرایط به هر حال تعدادی از پالایشگاه‌ها وابسته به نفت سروش هستند و مجبور هستند که در بازار وارد شوند.

مدیران هم که بحث هج نفت خام را مطرح می‌کنند، به نظر من ما باید ابتدا از هج دیگر کالاها همچون قیر و کالاهای فیزیکی شروع کنیم تا بخش خصوصی یاد بگیرد بعد هج نفت‌خام شروع شود.

**حسن‌ناش** با جمع‌بندی صحبت‌ها گفت: از تمامی صحبت‌های مطرح شده مشخص بود که راه‌اندازی بورس نفت‌خام زیرساخت لازم و مطالعات کافی ندارد و حتی در فرآیند تبدیل از ایده تا اجرا یک انسجام فکری و استراتژی ثابت در آن وجود نداشته است. اما آقای حسینی بیان کردند که اگر واقع‌گرایانه به مسئله نگاه کنیم، یک اراده سیاسی برای رخ دادن آن وجود دارد و لذا

انفال بوده و تولید و عرضه آن انحصاری است.

دومین مشکل، نقل و انتقال پول است که بخش خصوصی نیز طی یک سال اخیر آن را کاملاً درک کرده است. در حالی که اگر نفت ایران یا هر نفت دیگری در بورس نفت ایران معامله شود، ارزش ملی ایران باید یک ارزش قابل تبدیل در سیستم‌های مالی و بانکی بین‌المللی باشد. لذا قبل از راه‌اندازی بورس نفت باید موانع نقل و انتقال پول برطرف شود. اگر چنین نشود، اجرای بورس نفت سخت خواهد بود. فاکتور دیگر برای راه‌اندازی بورس نفت، قوانین و مقررات است. قوانین و مقررات ما باید در جهت

حضور در آسیای میانه کمک کند با اینکه اگر مانند سوریه تحریم شویم، بورس به ما کمک خواهد کرد که مشکلات حل شود، متناقض است. اگر احتمال تحریم ضرورت شکل‌گیری بورس را ایجاد می‌کند، چگونه بورس امکان معامله نفت دیگر کشورها را در ایران امکان‌پذیر می‌کند؟ از طرفی در شرایطی که تحریم‌ها گسترده نشده و شرکت ملی نفت ایران بدون مشکل به داد و ستد نفت می‌پردازد بخش خصوصی حاضر به ورود نیست، چگونه در شرایط تحریمی شدید بخش خصوصی به بازاریابی و فروش نفت‌خام کمک خواهد کرد؟ همچنین من چنین استنباطی را ندارم که شرکت ملی

شود. چگونه می‌توان مطمئن بود که همین بلا سرصنعت نفت و تجارت نفت نیاید؟ ما اگر برای شفاف‌سازی و اعطاء نقش به بخش خصوصی جدی هستیم باید برویم و کار مطالعه بورس نفت کیش که مطالعات مقدماتی آن انجام شد، ولی مطالعات اساسی آن انجام نشد را دنبال کنیم. بنابراین با کمال احترام برای نظر جناب آقای حسینی که معتقدند باید فروش نفت خصوصی‌سازی شود، متأسفانه در ایران خصوصی‌سازی معنی ندارد و تاکنون آنچه بنام اصل ۴۴ قانون اساسی خصوصی‌سازی شده است در واقع کانالیزاسیون کردن بوده و سهام بیت‌المال بنام گروه‌ها و افراد خاص درآمده است. نظیر شرکت مخابرات. قبلاً ما اگر از

ما خودمان موضوع را کشف کردیم. در حالی که ما شاهد هستیم که در کشوری مثل ژاپن نخست‌وزیر و دولت با هم به دلیل اینکه در مدیریت نیروگاه فوکوشیما و سونامی و غیره خطا کردند و کفایت و کارایی مدیریتی لازم را نداشتند، استعفاء می‌دهند و از ملت ژاپن عذرخواهی می‌کنند. ولی در ایران متأسفانه ما هنوز چنین شجاعتی را از مدیران کلان کشور تجربه نکرده‌ایم.

جناب آقای حسینی بازار بورس ترکمنستان را مثال زدند. باید عرض کنم که بازار بورس ترکمنستان را هم ما ایرانی‌ها به راه انداختیم. زیرا، بخش خصوصی، دولتی و نهادهای مختلف فعال در امور واردات و معاوضه نفت‌خام و فرآورده‌های نفتی

شرکت ملی نفت ایران می‌تواند دو برخورد متفاوت با مسئله داشته باشد. در برخورد اول با دلایل مستدل خود در مقابل راه‌اندازی آن مقاومت کند. اما در برخورد دوم مسئله را به سمتی سوق دهد که کمترین زیان را به همراه داشته باشد.

به هر حال من به شدت نگران هستم که ایجاد چنین بورسی با چنین سابقه‌ای زمینه یک رانت جوئی بزرگ را در کشور فراهم آورد عده‌ای بیایند و بدون داشتن هیچ اعتبار و صلاحیتی نفت را رالی بخرند و ارزانتر هم بخرند و پول نقد هم ندهند و از تخفیفات ویژه و پرداخت زماندار و ما به‌تفاوت نرخ ارز رسمی و دولتی رانت بزرگی را عاید خود کنند و مثلاً به نفع رانت نرخ ارز یا رانت نقد و نسیه، حتی نفت را در بازار جهانی زیر قیمت بفروشند و بازار سنتی نفت ایران را نیز حسابی خراب کنند و در این صورت تنها یک خسارت به کشور وارد خواهد شد.

**خاقانی** در ادامه به جمع‌بندی گفته‌های خود پرداخت و گفت: من موافق نظر آقای حسینی در مورد موفق بودن بورس نفت به این نحو، یعنی حراج نفت نیستم. این بورس با شرایطی که راه‌اندازی شده محکوم به شکست طراحی شده است. اگر خوب دقت و نگاه کنیم، خواهیم دید که افرادی از بورس لندن و NYMEX آمریکا در پشت‌پرده می‌خواهند تا بورس نفت ایران را به یک تجربه شکست‌خورده تبدیل کنند که در آینده هیچ صحبتی از بورس نفت در ایران مطرح نشود؛ یا اینکه بخش خصوصی منافعی را در این مسئله دنبال می‌کند. چرا که معتقدم افرادی در تهران و لندن مرتباً امور مرتبط به تحریم‌ها را دنبال و برای کسب منافع بیشتر از فرصت تحریم‌ها با هم برنامه‌ریزی می‌کنند و در پشت‌پرده با هم رفاقت دارند. تحریم‌ها هرچند به ضرر مردم است، اما در بازار ایران و اروپا به نفع عده‌ای خاص از بخش به اصطلاح خصوصی، اما دارای ارتباطات ویژه سیاسی و دولتی است. متأسفانه مدیریت‌های کلان یاد گرفته‌اند که در این مواقع خودشان را امیرا کنند و می‌گویند



شرکت مخابرات شکایت داشتیم، به دیوان عدالت اداری می‌رفتیم و موفق هم می‌شدیم. الان می‌گویند دولتی نیست و دیوان حق رسیدگی به شکایات را ندارد. شرکت مخابرات هم که قرار بود، شرکت سهامی عام باشد بروید ملاحظه کنید مثلاً شرکت مخابرات استان تهران شرکت سهامی خاص است و نمی‌دانیم سهام‌داران آن چه کسانی هستند و برای مصرف‌کننده هم گردن کلفتی می‌کنند. اگر همین بلا سر نفت بیاید که درآمد و بودجه کشور به آن وابسته است، ما شاهد فاجعه‌ای در کشور خواهیم بود که در هیچ زمانی در تاریخ ایران زمین چنین تجربه‌ای را نداشته‌ایم. ❖

در ترکمنستان با هم رقابت می‌کردند و تولیدکنندگان و فروشنده‌های ترکمنی که ملیت غیرترکمنی هم دارند بورس عشق‌آباد را درست کردند. همه می‌دانیم که درباره بورس عشق‌آباد حرف و حدیث کم نیست و نمی‌شود معامله‌ای بدون برخی اقدامات موسوم به زیرمیزی صورت پذیرد. بنابراین، این درست نیست که ما بورس عشق‌آباد را مثال بزینیم. متأسفانه در کشور ما اتفاقات مرتبط با فساد مالی در نظام بانکی که مدیریت آن را سیاست‌مداران عهده دارند و حقوق‌های باور نکردنی به خودشان می‌دهند و بعد هم می‌گویند در فساد کشف شده نقشی ندارند و به آنها مربوط نمی